



تحلیل نظام عاطفی گفتمان در قرآن کریم در پرتو نظریه گریماس (پژوهش موردی: آیات جزء ۳۰ قرآن کریم)

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۹)

علی ضیغمی^۱
مسعود سلمانی حقیقی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی نظام عاطفی گفتمان در آیات انتخابی از جزء ۳۰ قرآن کریم می‌پردازد. رویکرد گفتمان تولیدات زبانی را تابع فرآیندی می‌داند که عوامل نشانه-معنایی بسیاری در آن دخیل‌اند. انواع نظام‌های گفتمانی از دید گریماس عبارت‌اند از: نظام گفتمانی کنشی، تجویزی، القایی یا مجابی، عاطفی و تنشی و رخدادی. گفتمان ادبی، جریان سیال است که تعامل دو گونه شناختی و عاطفی در آن سبب تولید معنا می‌شود که عدم قطعیت معنا و سیر تکاملی آن مدیون فرآیند تنشی گفتمان است. در این مقاله، تولید و دریافت معنا در جزء ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر نظام عاطفی گفتمان بررسی می‌شود. بدین جهت رویکردهای نظیر: «تأثیر افعال، تأثیر آهنگ و نمود در گفتمان، تأثیر جسم و اداریکی یا جسمار، دور‌نماسازی و صحنه‌های عاطفی و کنش زایی و سکون» را در متن آیات انتخابی بررسی کرده‌ایم. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. تحلیل نظام عاطفی گفتمان آیات بیانگر این مطلب است که تمام عناصر سازنده گفتمان عاطفی دو مفهوم را تولید می‌کنند؛ الف) تعلیم برنامه دین و عبودیت ب) انتقال گفتمان هژمونیک حقانیت و احدیت خداوند. واژگان کلیدی: نشانه معنانشناسی، گفتمان، نظام عاطفی، قرآن کریم، گریماس.

۱- مقدمه

زبان به همان اندازه که منحصر به فرد است، فراگیر و تأثیرگذار هم است. پیدایش رویکردهای متفاوت برای بررسی زبان دال بر همه‌جانبه بودن آن است. به‌ندرت جنبه‌ای از زندگی انسان را می‌توان یافت که زبان در آن نقشی ایفا نکند. انسان به‌وسیله زبان به تعامل و

(۱) استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه سمنان-ایران، ایمیل: zeighami@semnan.ac.ir

(۲) کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه سمنان-ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: salmanihaghighi@semnan.ac.ir

ارتباط می‌پردازد و احساسات و اندیشه‌های خود را به دیگران انتقال می‌دهد. گاهی به آن از منظر جامعه‌شناختی و گاهی روان‌شناختی توجه می‌شود و گاهی با ابزاری چون زبان‌شناسی به کنکاش مفاهیم که در کنه جملات و کلمات آن جان گرفته است، پرداخته می‌شود.

نشانه- معناشناسی یکی از ابزارهای علمی تحلیل نظام گفتمانی است که سازوکارهای شکل‌گیری و تولید معنا در متون را بررسی و مطالعه می‌کند. در مطالعات اخیر زبان‌شناسی، رویکرد نشانه- معناشناسی، مطالعات مربوط به نشانه را متحول کرده است. در این رویکرد، دیگر نشانه‌ها در سطح دال و مدلول‌های کلیشه‌ای و مکانیکی زبان باقی نمی‌مانند و عاملی به نام جسمانه که رابطه میان دال و مدلول است، تنظیم‌کننده پیوند میان معانی آن‌ها و ارتقای نسبت‌های میان آن‌هاست. از این‌رو نشانه‌شناسی ساخت‌گرا، وارد حوزه جدیدی از مطالعات زبان‌شناسی می‌شود که می‌توان آن را نشانه‌شناسی پدیدار شناختی نامید. در این حوزه نشانه‌ها و مدلول‌های معنادار خود به خود ارزیابی می‌شوند و همین امر سبب می‌شود که نشانه‌ها به نشانه‌های کامل یا استعلایی تغییر یابند. (شعیری، وفایی، ۱۳۸۸: ۱-۶) در حقیقت، در نشانه- معناشناسی با عبور از نشانه‌شناسی ساخت‌گرای محض به نشانه‌شناسی پدیدارشناسی و نشان دادن مسیر حرکت نشانه‌ها به نشانه‌های استعلایی، عوامل معرفت‌شناسانه‌ی آثار، فرصت بروز و ظهور بیشتری می‌یابد. با تحلیل قصه‌های قرآن از این دیدگاه می‌توان انواع نظام‌های گفتمانی را در آن تعیین کرد و به تبیین قابلیت‌های زبانی آن و روشن شدن معانی متعالی و آموزه‌های نهفته در کنش‌ها و گفتارهای قصه‌ها پی برد و دلایل برخی گسست‌ها و پراکندگی‌ها و حذف و اختصار و درنگ و ایجاز در قصص قرآنی را توجیه کرد. (داودی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷۷ و ۱۷۸)

از دید گریماس انواع نظام‌های گفتمانی که در تحلیل گفتمان‌ها به کار گرفته می‌شود عبارت است از: نظام گفتمانی کنشی، تجویزی، القایی یا مجابی، عاطفی و تنشی و رخدادی. (گریماس، ۱۳۸۹، ۵-۱۰) هرگاه فرآیند نشانه-معناشناسی تحقق یابد و در کنش زبانی که حاصل آن متن است تجلی یابد انسان با گفتمان مواجه است. «از نظر بنونست هرگاه فردی طی کنش گفتمانی و در شرایط تعاملی، زبان را مورد استفاده فردی قرار دهد، به تولید گفتمان پرداخته است.» (بنونست، ۱۹۷۴: ۲۶۶)

در مقاله حاضر نظام عاطفی گفتمان و سیالیت حاکم در گفتمان آیات انتخابی از جزء ۳۰ قرآن بررسی می‌شود و با تبیین نشانه-معناشناسی این دو شعر، ضمن بررسی عناصر دخیل و سازنده در مراحل گفتمان، نظام عاطفی و چگونگی هژمونیک شدن دال‌ها را به تصویر کشیده می‌شود و ارتباط هژمونی و گفتمان در تولید مفاهیم و معانی در قرآن کریم خواهد شد و در ضمن آن طرح‌واره هریک به تصویر کشیده خواهد شد. تا به سوالات زیر پاسخ گوید که چگونه نظام عاطفی گفتمان باعث تولید و درک معنا می‌شود؟ نظام عاطفی گفتمان چه تاثیر بر آیات انتخابی از جزء ۳۰ قرآن کریم داشته است؟

فرضیات مقاله حاضر عبارت‌اند از:

- دال‌های نظام عاطفی گفتمان معنا و مفهوم را گونه‌ای نامحسوس و عمیق و با استفاده از مکانیزم‌های خاصی رقم می‌زند و باعث درک آن می‌شود.

- نظام عاطفی گفتمان تحت پوشش فشاره‌هایی که تابع نظام پیوستاری هستند در دل گونه‌های تقابلی سخن می‌کنند و به دلیل برخورداری از اصل سیالیت نشانه‌ها، رابطه‌های همسو و ناهمسو را پدید می‌آورند که همین بر تولید معنا و مفهوم آیات تأثیر گذاشته و باعث افزایش و ایجاد مضمون معنوی و لغوی گشته که بر مخاطب تأثیر می‌گذارد.

باتوجه به موضوع انتخابی، پژوهشی که قرآن کریم را صرفاً در حوزه نظام عاطفی گفتمان مورد مذاقه قرار داده باشد، یافت نشد تا به عنوان پیشینه پژوهش ذکر گردد لذا اکثر پژوهش‌های انجام شده به صورت کلی در حوزه نشانه‌معناشناسی هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مقاله «بررسی تطبیقی داستان ولادت عیسی و مریم» از ناموری راد (۱۳۸۷) چاپ شده در فصلنامه بیان، داستان حضرت مریم و ولادت حضرت عیسی در قرآن و انجیل را به صورت تطبیقی مقایسه نموده و وجوه افتراق و اشتراک آن را بررسی کرده است.

- مقاله «تحلیل فرآیندهای گفتمانی سوره «قارعه» با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» نوشته احمد پاکتچی و هادی رهنما است که در سال (۱۳۹۲) در مجله جستاری‌های زبانی چاپ شده است. نگارندگان این مقاله نشانه‌شناسی تنشی را در تحلیل فرآیندهای گفتمانی سوره قارعه بررسی کرده‌اند و چهره پیوسته سوره را نه فقط در ارتباطات مضمونی یا سبکی که در ابعاد تنشی فرآیند گفتمان و کنش‌های گفتمانی گسست و پیوست، جست‌وجو کرده‌اند.

- مقاله «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی موسی (ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی» از داودی مقدم (۱۳۹۳) چاپ شده در فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، داستان را بر اساس نظریه گریماس و کورتز تحلیل و به پیاده‌سازی برخی از مؤلفه‌های نشانه - معناشناسی از قبیل (نظام گفتمانی تجویزی، رخدادی و تنشی در این داستان پرداخته است.

- مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل نشانه - معناشناسی در قصه حضرت یوسف» از داودی مقدم (۱۳۹۳) چاپ شده در فصلنامه آموزه‌های قرآنی با تحلیل سرگذشت یوسف (ع) به توصیف و تبیین انواع نظام‌های گفتمانی در این قصه می‌پردازد و به نتایج جالبی دست می‌یابد که بر تعالی ساختار و معنای قصه یوسف تأکید می‌کند.

- مقاله «بررسی فرآیند موسیقی جزء سی قرآن کریم از دیدگاه نشانه - معناشناسی گفتمان (مبتنی بر الگوی تنشی)» نوشته مهین حاجی‌زاده، علی قهرمانی و سلوماز پرشو است که در سال (۱۳۹۵) در مجله پژوهش‌های ادبی - قرآنی به چاپ رسیده است و نحوه شکل‌گیری فرآیند تنشی گفتمان را در برخی از آیات جز سی قرآن و موسیقی حاصل از آیات و تأثیر آن در معانی را بررسی می‌کند.

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روایت‌شناختی داستان حضرت مریم در قرآن کریم» از سادات حسینی، مطیع و لطفی (۱۳۹۷) چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث به تحلیل مؤلفه‌های روایت‌شناسی از جمله روایت‌گر، کنش‌گران و زاویه دید به این نتیجه دست یافته است که بازنگری این عناصر در داستان حضرت مریم نشان‌گر قابلیت کاربرد اصول این دانش در فهم روایت قرآنی حضرت مریم است.

۲- نشانه - معناشناسی

واژه گفتمان به معنای زبان و رای جمله است که مشتق از فعل «discourir» است و از جمله رویکردهای مفید برای تحلیل گفتمان، رویکرد نشانه- معناشناسی است که به بررسی مسیر و عوامل مدلول‌های معنادار می‌پردازد. در نشانه- معناشناسی، روند چگونگی استحاله نشانه‌ها در معنا و ایجاد ارزش‌های متفاوت و نیز ارزیابی آنان در فرآیند گفتمان بررسی می‌شود. به عبارت دیگر «نشانه- معناشناسی به ظاهر شدن معنایی می‌پردازد که از میان شکل‌های زبانی دریافت شده است. در بررسی‌های نشانه - معناشناسانه دیگر نمی‌توان با نشانه‌ها به مثابه یک گونه منفک، واحدهای کمینه‌ای جدا افتاده و عناصر از هم گسسته برخورد کرد. بلکه باید با دید گفتمانی به مطالعه آن پرداخت. از این رو، نشانه- معناشناسی ابزاری علمی است که با آن می‌توان ساز و کار تولید معنا را در گفتمان بررسی کرد. این سخن بدان معنا است که زبان آنگونه که سوسور گفته است، نظامی از نشانه‌ها نیست، بلکه مجموعه‌ای است از ساختارهای معنا دار. نشانه- معناشناسی ابزاری علمی است که با آن می‌توان سازوکار شکل‌گیری و تولید معنا را در گفتمان بررسی و مطالعه کرد.» (پارسا و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲) رویکرد نشانه- معناشناختی گفتمان محل نزاع، تبانی، هم‌پوشی، همسویی، تفکیک، ترکیب، تقابل و تعامل نشانه‌ها با یکدیگر است. به همین دلیل گفتمان راهکارهایی را ایجاد می‌کند که راه را برای شکل‌گیری این ویژگی‌ها هموار کند. در واقع برای اینکه عملیات تولید معنا بتواند به بهترین وجه ممکن تحقق یابد، باید شرایط عبور از آنچه که می‌توان آن را روساخت یا صورت‌های بیان دانست به سمت ژرف ساخت یعنی آنچه که محتوا یا درونه‌های بیان نامیده می‌شود فراهم گردد. در نشانه- معناشناسی گفتمان، نشانه- معناها تحت نظارت و کنترل فرآیند گفتمانی بروز می‌یابند و در تعامل با یکدیگر، به گونه‌هایی سیال، پویا، متکثر، چند بعدی و تنشی تبدیل می‌شوند. این دیدگاه، در ابعاد عاطفی، شناختی، حسی- ادراکی، و زیبایی‌شناختی قابل بررسی است که دو بعد حسی ادراکی اهمیت بیشتری دارد؛ به طوری که فعالیت گفتمانی، وجود خود را وامدار این دو جریان است. (شعیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲- ۶۴)

۳- تحلیل گفتمان

برای تبیین مفهوم گفتمان در ابتدا باید اصطلاحات گفته پرداز، گفته و گفته پرداز را تعریف

شود. گفته پرداز کسی است که مسئول تولید متن است گفته پرداز می‌تواند عملیاتی است که بر تولید گفته منجر می‌شود و گفته محصول گفته پرداز می‌باشد. در واقع در هر تولید زبانی، شخصی به نام گفته پرداز است که مسئول متن تولید شده است. (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۹)

«امیل بنونست از جمله زبان‌شناسانی است که معتقد است اگر در چهارچوب گفتمان، مسائل زبانی بررسی شود؛ بسیاری از مفاهیم زبان‌شناسی رنگ و رویی تازه خواهد یافت و دست‌خوش تغییر خواهد شد. به نظر این زبان‌شناس در چهارچوب گفتمان، زبان فرآیندی است که کسی عهده‌دار تولید آن می‌شود. در همین مرحله است که شاخص‌های فردی دخیل در تولیدات زبانی به‌عنوان عناصری مهم و تعیین‌کننده به حوزه مطالعات زبانی راه می‌یابد.» (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۱). برای هر ارتباط کلامی می‌توان یک فاعل و یک مفعول قائل شد. «هرگاه رابطه‌ای کلامی در میان باشد با نوعی حضور روبه‌رو هستیم. اگر این حضور فاعلی باشد از حضوری مفعولی حکایت دارد و اگر این حضور مفعولی باشد از حضور فاعلی خبر می‌دهد. از این رو می‌توان جایگاه دخیل در تولید و شکل‌گیری معنا را بررسی کرد. این جایگاه همان جریانی است که عنوان گفته پرداز می‌باشد خود گرفته است و در حوزه فعالیت گفتمانی می‌گنجد.» (همان)

با توجه به آنچه گفته شد، گفتمان در وهله اول، فعالیت زبانی است که توسط یک عامل فاعلی به‌عنوان گفته پرداز صورت می‌گیرد. که این فعالیت در زمان و مکان خاص و در وضعیت خاصی صورت می‌گیرد. همچنین در این فعالیت، عامل دیگری نیز هست به نام گفته یاب که با گفته پرداز به‌گونه‌ای تعاملی در ارتباط قرار می‌گیرد؛ لذا گفتمان عمل پیچیده‌ای به شمار می‌رود که در یکسر آن گفته پرداز و در سر دیگر آن گفته‌یاب قرار می‌گیرد و مجموع این تعامل عملیات گفته پرداز می‌شود. «عمل گفته پرداز، عمل تولید گفته به شمار می‌آید که در آن گفته با تولید گفته که به منظور خوانش گفته‌خوان تولید شده است، می‌خواهد بین گفته و گفته‌خوان ارتباطی از نوع پیوستگی ایجاد کند. (معین، ۱۳۸۵: ۱۸۰)

در شکل‌گیری گفتمان عواملی چون، گفته پرداز، گفته یاب و گفته پرداز می‌تواند دخیل است. «در هر ارتباطی یا رخدادی گفتمانی با فرآیند شکل‌گیری معنا و خوانش معنا روبه‌رو هستیم نه خود معنا به شکل ایستاد، تثبیت‌شده، تمام‌شده و از پیش معین. باید افزود این معناسازی و معنا خوانی و به عبارتی معنا پرداز می‌تواند میان کسی یا کسانی شکل می‌گیرد که چیزی را در وضعیت و موقعیت فیزیکی، روانی، اجتماعی و فرهنگی خاصی تولید می‌کند و کسی یا کسانی که آن چیز را در وضعیت و موقعیت فیزیکی، روانی، اجتماعی و فرهنگی مشابه یا متفاوتی می‌فهمند و یا دست‌کم سعی می‌کنند بفهمند» (ساسانی، ۱۳۸۹: ۶)

۳-۱- نظام عاطفی گفتمان

آنچه فرآیند عاطفی گفتمان را تنظیم می‌کند فضای تنشی است. در هر زبانی عواطف

از طریق واژگان مطرح و به ظهور می‌رسند. واژگان مبتنی بر عواطف می‌تواند احساس و حالات شوش‌گر عاطفی را به انسان بشناسانند و بیان‌گر ویژگی‌های شوشی - احساسی او به ما باشند. واژگان عاطفی گاه در قالب اسم «خشم، کینه، محبت، عشق»، «الضعینه، الغرور، المحبه و العشق» و گاه در قالب صفت «وحشتناک، پریشان و خسیس»، «الوحشه، الشارد و البخیل» و یا ممکن است در قالب قید «باعجله، شتابناک و مغرورانه»، «العجله، الغره» بیان شوند. در این جستار، هدف از بررسی نظام عاطفی گفتمان بررسی صرف واژگان عاطفی نیست، در واقع بررسی فرآیندی است که این عواطف در آن به وجود می‌آیند. برای شناخت نظام عاطفی گفتمان، می‌بایست عناصر سازنده آن را بازشناخت و به تحلیل و نمونه‌آوری هریک پرداخت.

۳-۱-۱- نقش افعال مؤثر در گفتمان عاطفی

پس از تعریف نظام گفتمان عاطفی، در این بخش عناصر تشکیل‌دهنده و چگونگی ظهور آن‌ها در گفتمان بررسی می‌شوند. یکی از عناصر سازنده گفتمان عاطفی افعال مؤثر هستند که خود مستقیماً نقش کنشی ندارند و بر افعال کنشی تأثیر می‌گذارند. این افعال عبارت‌اند از خواستن، بایستن، دانستن، توانستن و باور داشتن. (حسام پور، مهرابی، ۱۳۹۵: ۶۵) این افعال در فرآیند گفتمان هم به‌طور صریح و هم به‌طور ضمنی ذکر می‌گردند و همچنین می‌تواند در تعامل و یا در چالش با یکدیگر قرار گیرند و گونه‌های ارزشی و بار عاطفی مختلفی را تولید کنند.

﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ، وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ، وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ، وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ، عَلِمْتَ نَفْسٍ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ، يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ، فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ، كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ﴾ (انفطار/ ۱-۹)

این سوره درباره عظمت و جلال خداوند متعال نازل شده است و از قدرت ایشان در روز قیامت سخن می‌گوید و اینکه چگونه خداوند حقانیت و یگانگی خود را در آن روز به منصفه ظهور گذاشته و بر باور و اعتقاد اشتباه برخی از انسان‌ها صحنه می‌گذارد. این سوره به انسان هشدار می‌دهد مبادا روز قیامت را به حساب و امید احسان پرور گارش فراموش کند. آیات ذکر شده در سوره مذکور انسان را از اتفاقات ناگوار آن روز برحذر می‌دارد.

هسته اولیه گفتمان در آیات مذکور از چالش میان حق بودن خداوند متعال و عدم اعتقاد و باور برخی از انسان‌ها شکل می‌گیرد و از چالش دانستن و ندانستن بار عاطفی گفتمان مبتنی بر حق بودن خداوند و توحید اثبات می‌گردد. افعالی نظیر «انفطرت، انتثرت، خلق، سوی و عدل» نشان از حقانیت خداوند و افعالی نظیر «غر و تکذبو» حکایت از ناباوری و عدم اعتقاد قلبی انسان دارد. از چالش میان دو فعل مؤثر «دعوت به سوی حق و تکذیب کردن و غرور ورزیدن» دینامیک معنایی گفتمان ایجاد می‌شود و به دین گونه نظام گفتمان

عاطفی استوار بر حقانیت خداوند و روز قیامت تولید و مضمون اصلی آن دریافت می‌شود.

۳-۱-۲- تأثیر آهنگ و نمود در گفتمان

مقصود از آهنگ گفتمان، ریتمی است که باهدف و برنامه خاصی در گفتمان ظاهر و یا ناپدید می‌گردد. در واقع هر ریتم حاکم بر گفتمان مسئول ایجاد اثرات عاطفی گوناگون متناسب با موضوع گفتمان است، به نحوی که شوش گر به هنگام احساس ریتم در گفتمان نمایه‌هایی را در فعالیت‌های جسمی و ادراکی خود بروز می‌دهد. (نایی، شعیری، ۱۳۹۵: ۶۵)

﴿الْم نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ، وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ ، الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ، وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ، فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ، فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ، وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ (انشراح/ ۱-۸)
 ﴿الْقَارِعَةُ ، مَا الْقَارِعَةُ ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ، يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ، وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾ (قارعه/ ۱-۵)

خداوند متعال در سوره انشراح به پیامبر (ص) امر می‌کند تا کمر خدمت ببندد و به سوی او رغبت کند. در ادامه خداوند از پایدار نبودن سختی‌ها و گرفتاری‌های سختی‌ها و گریختاری سخن می‌گوید و به مخاطب امید می‌دهد که پس از سختی، آسانی است که این مسأله را در گشادگی سینه و برداشتن بار از روی دوش وی متذکر می‌شود و انسان باید در غم‌ها، غصه‌ها و سختی ظرفیت خود را بالا ببرد و از نظر روح و روان در برابر مشکلات کم نیاورد.

در سوره قارعه خداوند از چگونگی برپایی روز قیامت سخن به میان آورد و آهنگ ناشی از تک تک حروف و کلمات این سوره در نمود گفتمان عاطفی نقش به‌سزایی دارد.

کلمات و حروفی که خداوند به هنگام دعوت مخاطب به مقاومت و پایداری در برابر سختی‌ها و نیز دادن امید و نتیجه مطلوب از صبر و شکیبایی در برابر غم‌ها و سختی‌ها از آن استفاده می‌کند، تقلیدی ضرب آهنگ از لرزش زبان و برخورد نوک زبان به سقف دهان و کوبش چکش بر بدنه یک شیء سخت است که آهنگی کوبشی و مستمر تولید می‌گردد. ویژگی‌های صوتی و آوایی انتهایی به کار رفته در کلام و آیات قرآنی در قالب برخی از حروف نظیر «ر و ک» در کنار عبارات کوتاه و قطعه‌گونه آن تداعی گر کوبش ضرب آهنگ گونه و محکم است. به این ترتیب گفتمان حاضر، آهنگی کوبشی را در نمودی مستمر نمایان می‌سازد که اثر عاطفی امید و گشایش را تولید می‌کند، چرا که «بردباری برای رسیدن به هدف نوعی انتظار و مقاومت برای گشایش است که در آموزه‌های دینی سابقه داشته است و در ادبیات تعلیمی فضایل اخلاقی به شیوه هنرمندانه آموزش داده می‌شود.» (افراسیاب پور، ۱۳۹۱: ۱۰۳) و بار دیگر رسالت ادبیات تعلیمی در گفتمان تأمین می‌گردد.

در سوره قارعه نیز ضرب آهنگ حروفی نظیر «ق و ع» که دارای تلفظ غلیظ و شدید است، تداعی گر ضرب آهنگ کوبش بر روی طبل است که در یک صحنه بسیار آرام زمانی

که همگی در قبرهای خود آرام گرفته‌اند، صورت می‌گیرد. صحنه شکل‌گیری روز قیامت در کلمه «الفارعه» به گونه‌ای است که زمانی که همگی در خواب ابدی به سر می‌برند، ناگهان با ضربه‌ای محکم بر روی طبلی کوبیده می‌شود و همه از زیر قبرها به بیرون آمده و این چنین قیامت برپا می‌شود. چنین صحنه و آهنگی باعث تولید معنا و ایجاد نظام عاطفی در گفتمان می‌گردد.

۳-۱-۳- تأثیر جسم - ادراکی یا جسمار

«جهان عواطف برای بروز خود طرق گوناگونی در پیش می‌گیرد و مهم‌ترین راه‌های اعلام عواطف بیان جسمی آن است که جانشین گفتار و بیان می‌گردد. برای مثال شوش‌گر عاطفی در شرایطی قرار می‌گیرد که موجب شرم و خجالت وی می‌شود و بیان جسمی همچون برافروختگی صورت و یا لرزش دست، سربزه‌زیر افکندن این نمایه عاطفی را از خود بروز می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت «نمایه‌های عاطفی بروز یافته در جسم نوعی گفتمان هستند و به همین دلیل است که از ترکیبات جسمی - ادراکی گفتمان صحبت به میان آید. لذا می‌توان آن‌ها را مورد ارزشیابی قرارداد و صحت و سقم آن‌ها را بررسی نمود.» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

- ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى، أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى، وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي، أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى، أَمَا مَنْ أَسْتَعْنَى، فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى، وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْكِي، وَأَمَا مَنْ جَاءَكَ بَيْسَعَى، وَهُوَ يَخْشَى، فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى، كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ، فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ، فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ، مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ، بِأَيْدِي سَفَرَةٍ، كِرَامٍ بَرَرَةٍ، قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ (عبس/۱-۱۷)

غرض از این سوره سرزنش کسانی است که ثروتمندان را بر ضعیفان را مقدم می‌دارند و اهل دنیا را محترم و اهل آخرت را خوار می‌شمارند. در این سوره از مراحل خلقت انسان و نعمت‌های خدا و حیات در زمین و سپس قیامت و چهره‌های خندان و اندوهگین در آخرت سخن به میان آمده است. (هاشم زاده هریسی، ۱۳۱۷: ۵۰۹).

در این سوره خداوند خطاب به کسانی که در خلقتش بی‌مقدار هستند و در تدبیر امورش سرایا نیاز و به نعمت ایشان کفران می‌کنند در ابتدا آن‌ها را به اصل ایمان و عدم توجه به ثروت و سرمایه دعوت می‌کند و آن‌ها را به خشیت درونی و خودسازی و برخورد مناسب با فقیران و مساکین دعوت می‌کنند. در این میان عده‌ای از افراد از قبول این دعوت سرباز می‌زنند که خداوند پس از تلاش و کوشش در این راستا با غفلت و نادانی برخی مواجه می‌شود و با حالت خشم و عصبانیت با به کار بردن آیه ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ﴾ برای آن‌ها طلب نفرین و هلاکت می‌کند.

خداوند متعال حقانیت و احدیت خود را در جسم شوشرگان پدید می‌آورد و در نتیجه به دلیل عدم مقاومت در برابر این مسأله وادار به حرکت می‌شوند و گویی به دنبال راه

چاره و پناه می‌گردند. در نهایت برخی از افراد زیر بار گفتمان منطقی و آگاهانه خداوند نرفتند و خود را به وادی هلاکت و نابودی انداختند؛ و برخی دیگر صبر کردند و منتظر ماندند و دعوت حق را لبیک گفتند که در آن روز چهره‌هایشان گشاده و نورانی خواهد بود. بنابراین این شوش انتظار و امیدوار شدن، نمایه جسمی تحرک و جنب و جوش را در جسم شوش گران پدید می‌آورد.

۳-۱-۴- صحنه‌های عاطفی یا صحنه‌پردازی

بروز جسمانه‌ای عواطف بر جسم شوش گران، ممکن است دارای صحنه‌ای باشد که در آن شوش گران عاطفی به گونه‌ای منحصر به فرد به عنوان یکی از عناصر اصلی صحنه ظاهر شوند. در حقیقت برای بروز عواطف و احساسات در گفتمان، قائل بودن به چارچوب صحنه‌ای، بدین معنا است که برای به ظهور رساندن احساسات، نیاز به قالبی زمانی و مکانی و عنوان بشری و غیر بشری وجود دارد. (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۰)

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى، وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى، وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى، فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى، وَسَتَفَرُّوكَ فَلَا تَنْسَى، إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى، وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى، فَذَكَرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى، سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى، وَبَيِّنْهَا الْاَشْفَى، الَّذِي يُصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى، ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى، وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ (اعلیٰ ۱/۱۵)

سوره اعلیٰ در آغاز، خطاب به پیامبر (ص)، ایشان را به تسبیح شایسته نام پروردگار بلندمرتبه، فرمان می‌دهد؛ پروردگاری که پس از آفرینش موجودات با هدایت تکوینی آنان را در مسیر کمال قرار داده است. سپس با بیان نمونه‌ای به رویاندن گیاهان از دل زمین برای چرای حیوانات و خشک و سیاه شدن آن ادامه می‌یابد، آنگاه بار دیگر خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: ما قرآن را بر تو نازل می‌کنیم و آن را به تو می‌آموزیم. تو مردم را به اسلام فراخوان و اگر تذکر، سودمند باشد به آنان تذکر ده. در بخش سوم، مردم را در برابر دعوت پیامبر (ص) به دو دسته تقسیم می‌کند: گروهی که به موجب ترس از خدا متذکر شده، به سوی پیامبر (ص) می‌آیند و دسته شقی و بدفرجام که از وی دوری می‌گزینند و کیفر چنین گروهی آتش بزرگی است که در آن وارد می‌شوند و مرگ و زندگی در آن راه ندارد، آنگاه تأکید می‌ورزد که اهل تزکیه که بر یاد خدا و گزاردن نماز اصرار دارند رستگار می‌شوند. در پایان به رویکرد آدمیان و محور اصلی دعوت پیامبران اشاره می‌کند که شما (مردم) دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است.

در تحلیل گفتمان آیات مذکور، پیامبر (ص) که از جانب خداوند برای فراخواندن مردم به اسلام مبعوث شده است به هنگام دعوت آنان به راه حق و عبادت خداوند از نمایه‌های مختلفی بهره می‌گیرد؛ مانند گفتمان و صحبت‌های منطقی، تذکر دادن، امر به معروف و نهی از منکر و نماز خواندن و... که تمامی این موارد حاکی از حکمت، بینش و درایت ذات

الهی و پیامبر عظیم الشان ایشان مبنی بر محقق ساختن کنش و برنامه مطرح شده دارد. پیامبر (ص) هژمونی اعتقاد و باور به حق بودن خداوند و یگانگی وی را با وارد شدن در آتش دوزخ و نیز رستگاری و نجات از آتش و عذاب الهی منتقل می‌کند و با کمک آن برخی از افراد را هدایت و عده‌ای دیگر را به عذاب الهی و هلاکت بشارت می‌دهد. استفاده از لایه ضمنی گفتمان یعنی «افعال و اقدامات مذکور» اگرچه برای مردم مضر است، اما به نوعی در لایه ثانویه خود به سودمندی حقانیت و احدیت خداوند اشاره دارد، مسأله‌ای که در نهایت به رستگاری و نجات برخی از افراد و نابود شدن کافران منجر می‌شود. در واقع عواطف و احساسات در قالب زمانی و مکانی مناسب خود در آیات مذکور ظهور پیدا کرده و باعث بروز جسمانه عواطف در شوشگران شده است.

۳-۱-۵- چشم‌انداز یا دورنما سازی

از دیگر عوامل بروز احساسات در فرآیند عاطفی گفتمان، موضع‌گیری گفته‌پرداز است. در واقع عواطف و احساسات زمانی بروز پیدا می‌کنند که عاملی در روند گفتمان نسبت به عوامل و پدیده‌ها موضع‌گیری از خود نشان دهد. (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۴۰)

﴿وَالضُّحَىٰ ، وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ، مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ، وَلَا آخِرَةَ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ، وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ﴾ (ضحیٰ/ ۱-۵)

این سوره درباره مقام یتیم است که خداوند در آن نسبت کمک به یتیمان و پناه دادن به آن‌ها متذکر می‌شود. خداوند در این سوره، پس از ذکر قسم‌هایی به رسول اکرم (ص) خطاب می‌کند که: پروردگارت تو را وانگذاشته و هرگز بر تو بغض نکرده است؛ و قطعاً آخرت برای تو بهتر از دنیا خواهد بود و در آخرت پروردگارت به تو آنقدر عطا می‌کند تا خرسند گردی.

در سرتاسر گفتمان آیات مذکور حقانیت، قدرت، رأفت و حکمت خداوند مطرح می‌شود. موضع خداوند در این گفتمان یک موضع معنوی و دینی است؛ بدین ترتیب که چشم‌انداز خود را در خلال گفتمان تولید و به گفته یاب انتقال می‌دهد و با استفاده از آیات مذکور جایگاه خداوند و صفات برتر و نیک ایشان ثابت می‌شود. در نتیجه خداوند توانسته دورنمایی قابل تحقق از صفات خویش و لزوم حرکت به سمت حقانیت را ترسیم کند. دورنمایی که در خواسته‌های ایشان از پیامبر (ص) و مخاطبان عام در خصوص رفتار مهربانانه با یتیمان و افراد بی سرپناه ظهور پیدا کرده و باعث انتقال امید عاطفی «رأفت، رحمت و رضایت الهی» شده است.

۳-۱-۶- کنش زایی و سکون

آخرین موردی که گفتمان را عاطفی می‌سازد، مبحث کنش‌زایی و سکون عنصر عاطفی

است. در واقع هرگاه عنصر عاطفی موجب کنش گردد، عنصر زایا نامیده می‌شود و بالعکس هرگاه عنصر عاطفی؛ علاوه بر توقف خود، مانع بروز کنش دیگری نیز شود، با نوعی سرکوب و سکون مواجه است. صحبت‌های منطقی و هوشیارکننده، شوشی مبتنی بر یقین را در تعداد کمی از شوش‌گران پدید آورد؛ و این نمای عاطفی تولید شده آنان موجبات کنش بعدی را در آن‌ها فراهم آورد. در حقیقت «زبان باز نمودی از دنیا است و تولیدات زبانی از شیوه حس کردن مایه می‌گیرد و به گونه‌ای می‌تواند از صافی حواس عبور کند؛ بنابراین هر یک از حواس می‌توانند، منشأ تولیدات زبانی به شمار روند.» (راد منش و شعیری، ۱۳۹۲: ۱۴)

- ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ، وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا، فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ، وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ (نازعات/۳۷-۴۰)

این سوره تأکیدی است بر روز قیامت و اشاره به مناظر هول‌انگیز و وحشتناک قیامت دارد و این که اشاره‌ای است به این که انکار معاد انسان را به چه گناهی آلوده می‌کند. در این سوره سرنوشت طغیانگران و نیکوکاران بیان می‌شود و نیز درباره سرکشی فرعون و یارانش و سرباز زدن از دعوت حق سخن می‌گوید.

در حقیقت بر اساس گفتمان کلی موجود در آیات ملاحظه می‌شود تعدادی از انسان‌ها از دعوت حق سرباز زده و در برابر خداوند طغیان می‌کنند و زندگی دنیا را بر زندگی عقبی مقدم داشته که سرنوشت آن‌ها مشخص و واضح است؛ اما تعدادی دیگر از افراد وجود دارند که دعوت الهی را پذیرفته و از مقام پروردگارشان می‌ترسند و خود را از هوا و هوس باز داشته‌اند و جایگاه چنین افرادی بهشت برین است. چنین افرادی در ادامه سوره نازعات از زمان برپایی روز قیامت می‌پرسند و نسبت به آن ایمان می‌آورند. به این ترتیب عدم پذیرش دعوت حق توسط برخی از افراد، مقدمات کنش‌هایی همچون طغیان و عدم ایمان به خداوند را در تعداد کمی از شوشگران ایجاد می‌کند و در کسانی که از دعوت حق سرباز نمی‌زنند و نسبت به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند، کنش‌هایی چون ایمان به خدا و بهشت، حمد و ثنای الهی و ترک سرکشی و طغیان را به دنبال دارد.

این گفتمان، اگر چه در تعداد کمی از افراد تأثیرگذار است، با این وجود گفتمانی زایا است؛ چرا که گفتمان موجود، گفتمانی انقلابی و کنش‌زا است و تعدادی از شوش‌گران را بر آن می‌دارد تا پس از به وقوع پیوستن عینیت و صدق کلام الهی به حقانیت و احدیت خداوند بیش از پیش باورمند شوند. در مجموع می‌توان گفت که عناصر سازنده گفتمان عاطفی (کنش زایی و سکون، نقش افعال مؤثر، ریتم و آهنگ، چشم انداز، صحنه‌پردازی و نقش جسمی ادراکی) در جهت تعلیم و انتقال گفتمان هژمونیک حقانیت و احدیت است.

نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از رویکرد نشانه-معناشناسی بعد عاطفی گفتمان در برخی از آیات انتخابی از جزء ۳۰ قرآن کریم بررسی شد و یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- گفتمان آیات با وجود کوتاه بودن و ایجاز، فضایی منسجم و گسترده را به تصویر می‌کشد. تصویرسازی همراه با تخیل، دقت در انتخاب کلمات و ایجاد امید در دل مخاطب به تغییر شرایط از وضع ظاهری با کلماتی آهنگین و عباراتی کوتاه بیان شده است.

- افعال مؤثر، دور‌نماسازی، صحنه‌های عاطفی، آهنگ و نمود، کنش‌زایی و سکون و جسامت به ایجاد بار عاطفی و زیباتر شدن کلام کمک کرده‌اند و از طرفی غلبه فضای عاطفی بر فضای شناختی باعث زیباتر شدن کلام گردیده است که این امر مخاطب را به درک فضای گفتمان عاطفی رهنمون می‌سازد.

- تحلیل نظام عاطفی گفتمان آیات بیانگر این مطلب است که تمام عناصر سازنده گفتمان عاطفی دو مفهوم را تولید می‌کنند؛ الف) تعلیم برنامه دین و عبودیت ب) انتقال گفتمان هژمونیک حقانیت و احدیت خداوند.

- فضای گفتمان عاطفی بر آیات قرآن کریم بسیار مشهود است و گونه‌های تقابلی شناختی و دخیل در تولید به معنا به گونه‌هایی سیال و ناپایدار تغییر می‌یابند و به کارگیری رویکرد نشانه‌معناشناسی باعث افزایش عاطفه و احساس در کلام شده و بر اثربخشی آن بر مخاطب را می‌افزاید.

کتابنامه

- قرآن کریم
- اسماعیلی، عصمت و کنعانی، ابراهیم، ۱۳۹۲: تحلیل نشانه-معناشناختی شعر باران، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و پنجم، صص ۸۹-۵۹.
- پارسا، سید احمد و رحیمی، منصور، ۱۳۹۶: بررسی نشانه-معناشناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر پایه تحلیل گفتمان، فنون ادبی (علمی-پژوهشی) صص ۱-۱۸.
- حسام پور، سعید، مهرابی، امین، ۱۳۹۵: تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی شعر «حلاج» شفیعی کدکنی، فصلنامه ایران نامگ، شماره چهارم، صص ۷۰-۵۰.
- خراسانی، فهیمه، غلامحسین زاده، غلامحسین، شعیری، حمیدرضا، ۱۳۹۴: بررسی نظام گفتمانی شوشی در داستان سیاوش، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره چهل و هشتم، صص ۵۳-۳۵.
- داودی مقدم، فریده، ۱۳۹۳: تجزیه و تحلیل ادبی زبان داستان قرآنی موسی (ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ادبی-قرآنی، صص: ۱۳۳-۵۹.
- رادمش، شبنم السادات و شعیری، حمیدرضا، ۱۳۹۲: بررسی نشانه-معناشناختی رابطه عنوان و نقاشی: مطالعه موردی تاووم خاطره اثر سالوادردالی و جیغ اثر ادوارد مونش، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، صص: ۳۰-۷.
- ساسانی، فرهاد، ۱۳۸۹: معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، تهران: علم.
- شعیری، حمیدرضا، ۱۳۸۴: بررسی نقش بنیادی ادراک حسی در تولید معنا، شناخت، ش ۴۶-۴۵، صص ۱۳۱-۱۴۶.

- شعیری، حمیدرضا، وفایی، ترانه، ۱۳۸۸: راهی به نشانه - معناشناسی سیال با بررسی مورد ققنوس نیما، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، ۱۳۸۵: تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان، تهران: سمت، چاپ اول.
- _____، ۱۳۹۵: نشانه - معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی، تهران: مرکز نشر آثار علمی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گریماس، آلژیرداس، زولین، ۱۳۸۹: نقصان معنا، ترجمه و شرح حمیدرضا شعیری، تهران: علم.
- معین، بابک، ۱۳۸۵: گفته پردازی در تبلیغات، مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر، صص ۱۷۹-۱۹۴.
- نابی، سلما و شعیری، حمید رضا، ۱۳۹۵: تحلیل بازنمایی سکوت بر اساس کارکرد تنشی گفتمان در سینمای کیشلوفسکی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه هنر، صص ۶۵-۷۹.
- هاشم زاده هریسی، هاشم، ۱۳۱۷، شناخت سوره های قرآن. تهران: صدر.
- Benvenistee, 1974: L'appareil formal de le nonciation in in language, paris, larousse.

Bibliography

- The Holy Quran
- Ismaili, Esmat and Kanaani, Ebrahim, 2013: Analysis of the semantic-semantic sign of rain poetry, Quarterly Journal of Persian Language and Literature, No. 25, pp. 89-59.
- Parsa, Seyed Ahmad and Rahimi, Mansour, 2017: A study of the semantic_symmetry of the story of Lily and Majnoon Jami based on discourse analysis, literary techniques (scientific_research) pp. 1_18.
- Hesampour, Saeed, Mehrabi, Amin, 2016: Analysis of the sign-semantics of the poem "Hallaj" by Shafiee Kadkani, Iran Namg Quarterly, No. 4, pp. 70_50.
- Khorasani, Fahimeh, Gholamhosseinzadeh, Gholamhossein, Shairi, Hamidreza, 2015: A Study of the Shushi Discourse System in Siavash's Story, Quarterly Journal of Literary Research, No. 48, pp. 53_35.
- Davoodi Moghadam, Farideh, 2014: Literary Analysis of the Language of the Quranic Story of Moses (pbuh) and Khidr from the Perspective of Discourse Systems, Quarterly Journal of Literary-Quranic Research, pp: 133-59.
- Radmanesh, Shabnam Sadat and Sha'iri, Hamid Reza, 2013: A Study of the Semantic_sign of the Relationship between Title and Painting: A Case Study of Memory Continuation by Salvador Dali and Scream by Edward Munch, Literary Criticism Quarterly, pp: 30_7.
- Sasani, Farhad, 2010: Meaning: Towards Social Semiotics, Tehran: Science.
- Poetry, Hamidreza, 2005: A study of the fundamental role of sensory perception in the production of meaning, cognition, pp. 46-45, pp. 131-146.
- Poetry, Hamidreza, Vafaei, Taraneh, 2009: A way to the sign_of_fluid semantics with a case study of Phoenix Nima, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- _____, 2006: Analysis of the semantic_signal sign of discourse, Tehran: Samat, first edition.

- _____.2016: Semantics_Literature: Theory and Method of Literary Discourse Analysis, Tehran: Scientific Works Publishing Center, Tarbiat Modares University.
- Garms, Algeridas, Zoulin, 2010: Lack of meaning, translation and description by Hamidreza Shairi, Tehran: Alam.
- Moein, Babak, 2006: Discourse in Advertising, Articles of the Second Symposium of Art Semiotics, Tehran: Academy of Arts, pp. 179-194.
- Naebi, Selma and Sha'iri, Hamid Reza, 2016: Analysis of the Representation of Silence Based on the Tension Function of Discourse in Kieslowski Cinema, Bi-Quarterly Journal of Art University, pp. 79_65.
- Hashemzadeh Harisi, Hashem, 1937, Recognition of Quranic chapters. Tehran: Sadr.
- Benveniste, 1974: L'appareil formel de la nonciation in in language, paris, Larousse.

